



شهراد اثنی هشری

روزنامه نگار و کارشناس علوم سیاسی و بین الملل



پیش شرط‌های مشارکت حداکثری در انتخابات

سیاسی ارتباط مناسبی با طبقات پایین هرم ندارند و این سیستم نهادینه نشده است. به عبارتی دیگر واقعیت‌های جامعه نشانگر آن است که جامعه سیاسی متعلق به همه نیست و برای همان کسانی نیز که هست، نهادینه نیست و حزب‌یابی نشده است.

نتیجه حاکمیت این نگرش آن است که مردم با هزار امید و آرزو برای فرار از مشکلات و رای ندادن به یک جناح خاص، شخصی را بر کرسی ریاست می‌نشانند که چند سال بعد آرزوی برگزینی همین فرد را می‌کنند. مردم ما از دیرباز در زوایای قهرمان‌پروری به سر می‌برند و روی این حساب گاهی فردی را انتخاب می‌کنند که تصور می‌کنند قهرمان است و حلال مشکلات، و گاهی نیز در چشم به هم زدنی او را از تخت قدرت به زیر می‌کشند، زیرا در نبود سیستم حزبی و نهادینه نشدن آن، افکار عمومی چاره‌ای ندارد جز رای دادن به فرد یا افرادی خاص که معلوم نیست به کدام گروه یا حزب وابستگی دارند.

میزان مشارکت مردم

در این دوره از انتخابات که با پیچیدگی‌های فراوان و تعدد نامزدهای انتخاباتی مواجهه است، هنوز به درستی نمی‌توان پیش‌بینی کرد که میزان مشارکت مردم چقدر خواهد بود، اما می‌توان ادغان کرد اگر مردم بار دیگر با صندوق‌های اخذ رای قهر کرده و مشارکت نکنند و به قولی شاهد مشارکت حداکثری باشیم، محافظه‌کاران و طرفداران

مجلس ششم با کاهش قابل مقایسه آراء وی را در قعر فهرست نامزدهای انتخاباتی تهران قرار داد. همین مساله در دوران ریاست جمهوری خاتمی نیز به گونه‌ای دیگر رخ داد.

اگر چه آرای خاتمی در دو دوره ریاست جمهوری بسیار بیشتر از زمان هاشمی بود، اما افکار عمومی در سال‌های پایانی دولت اصلاحات به کرات نارضایتی خود را از عملکرد رییس جمهوری نشان داده و وی را به سازش در مقابل افتداریان متهم کردند.

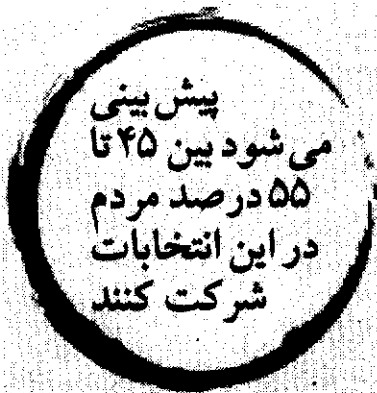
البته شاید یکی از دلایل این رخدادها، ترکیب ناهمگون هرم جامعه باشد که بر اساس آن شهروندان باید قاعده هرم را به وجود آورند و در بالای آن نهادهای مدنی و صنفی و احزاب سیاسی قرار داشته باشند تا دولت در راس هرم قرار گیرد، اما متأسفانه در کشور ما احزاب و گرایش‌های

شمارش معکوس برای برگزاری نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حالی آغاز شده که یک پرسش اساسی همچنان ذهن و افکار عمومی و فعالان سیاسی را به خود مشغول کرده و آن میزان مشارکت عمومی در این دوره از انتخابات است. در طول ۲۷ سال گذشته به طور معمول هر ساله یک انتخابات در سطح کشور برگزار شده که در هر دوره میانگین حضور مردم در مقایسه با سایر دوره‌ها از رشد یا کاهش متفاوتی برخوردار بوده است.

به گواه آمار شاید بیشترین مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری به سال ۷۶ یعنی دوره اول ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی بر گردد که حدود ۸۰ درصد مردم در آن شرکت داشتند و فقط ۲۰ درصد به پای صندوق‌های اخذ رای نیامدند. بر اساس همین آمار شاید کم‌رونق‌ترین انتخابات نیز انتخابات دور دوم شوراها بود که با قهر مردم مواجه شد و در نتیجه گروهی به نام آبادگران موفق شدند با آرای نه چندان بالایی کرسی‌های این نهاد مدنی را به تصرف خود در آورند.

متغیر بودن دیدگاه مردم

یکی از مسایل پرفکت و خیز در چند سال اخیر، متغیر بودن دیدگاه مردم نسبت به کاندیداها و اقبال آنها به یک شخص در یک دوره خاص و رویگردانی مجدد آنها از همین فرد در دوره‌ای دیگر بوده است. به عنوان مثال افکار عمومی چندین سال قبل با رای قابل قبولی هاشمی رفسنجانی را بر کرسی اجرایی کشور نشانده، اما در انتخابات



سنتی آنها که حدود ۲۰ درصد واجدین رای را شامل می‌شوند، به پیروزی خواهند رسید، اما اگر میزان مشارکت مردم مانند سال ۷۶ باشد یا این که حداقل ۵۰ درصد از واجدان شرایط در انتخابات شرکت کنند، علاوه بر پیروزی اصلاح طلبان، میزان مشارکت عمومی نیز افزایش خواهد یافت.

نکته مهمی که باید در این جا به آن اشاره کرد، فراهم کردن بستر مناسب برای مشارکت پایدار مردم در انتخابات است، به گونه‌ای که همه بتوانند فارغ از گرایش‌های سیاسی و جناحی نامزدهای مورد نظر خود را انتخاب کنند.

بدون شک انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم نقطه عطف مهمی در حیات سیاسی جمهوری اسلامی است که می‌تواند آینده‌ساز باشد و صف‌بندی، آرایش و وزن نیروهای سیاسی و نیز اردوگاه‌های مشی‌ها و نظریه‌های مختلف را دچار تغییرات و تحولات جدی کند هم چنین شکاف دولت-ملت را کاهش یا افزایش دهد.

بنابر این اگر دنبال مشارکت حداکثری مردم در این دوره از انتخابات هستیم باید به چند نکته اساسی توجه کنیم. احساس ضرورت حضور مردم در صحنه به دو شکل احساسی و روانی که معمولاً ناشی از احساس خطر خارجی است، شکل می‌گیرد و یا به صورت دائمی و پایدار است. تحلیل‌گران مشارکت پایدار و پیوسته را نه تنها برطرف‌کننده خطرات و بحران‌ها می‌دانند، بلکه تحقق آن را باعث جلوگیری از شکل‌گیری بحران ارزیابی می‌کنند. در عین حال باید در این خصوص

به موانع مشارکت مردم نیز توجه کرد. شاید بزرگ‌ترین مانع مشارکت پایدار مردم، حضور عناصر قدرت در امور سیاسی باشد. امروز باید قدرت حاکمیت برگرفته از ملت باشد و قدرتمندان نباید با اتکا به اهرم‌ها و ابزارهای خود، خویشتن را در سایر ارکان قدرت بازسازی کنند. در انتخابات، فرهنگ "مشارکت‌جویی" باید جایگزین فرهنگ "اقتدارگرایانه" شود.

♦ قدرت، نماینده است، نه قیّم

مردم باید احساس کنند در سرنوشت کشور خود سهیم هستند و بدانند که میثاق اجتماعی بین آنها و حاکمیت دستخوش تفسیرهای متفاوت نمی‌شود. مردم می‌خواهند بدانند که قدرت، نماینده است، نه قیّم و بر حق است، نه غاصب آنها باید باور داشته باشند قدرت، برآمده از آرای آنهاست و نه از ابزار قدرت. مردم باید به این باور برسند که نباید هر کاری را که بر خلاف مصالح آنهاست، انجام شود.

آنچه که باعث مشارکت حداکثری مردم می‌شود، باور آنها به اثرگذاری آرای خود است. نخبگانی که برنامه‌های خود را در معرض انتخاب مردم قرار می‌دهند باید به عهد خود وفادار بمانند، حال اگر در این راه مسلوب‌الاختیار شوند رای مردم بی اثر خواهد بود. در واقع یکی از زمینه‌های دستیابی به مشارکت حداکثری، تضمین اختیارات منتخب مردم و هماهنگی قوای کشور برای اجرای برنامه‌های ملت است. امروز

رقابت حداکثری در گرو رقابت سالم است، بنابراین باید دایره حضور متخبران مردم از هر نوع گرایش فکری را بازتر کرد تا شور و شوق مردم به مشارکت در انتخابات افزایش یابد.

مردم در حالی چشم‌به‌این انتخابات دوخته‌اند که از روابط ناعادلانه و آسیب‌های متعدد اجتماعی رنج می‌برند. اختلاف شدید طبقاتی و نامنی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، ناتوانی مدیران و فساد، پدیده‌های آشکاری هستند که در کشور باقی مانده‌اند. برای بخش بزرگی از مردم اعم از آسیب‌پذیر، متوسط و یا مرفه بررسی این مساله که کدام نامزد از کدام جناح براننده مقام ریاست جمهوری است، امری حاشیه‌ای و فاقد اهمیت شده، به همین دلیل متأسفانه بی‌تفاوتی گسترده‌ای در بین مردم مشاهده می‌شود.

از منظر مردم حتی بهترین و قوی‌ترین سیاستمدار اگر به طرح معضلات و دغدغه‌های اصلی آنها نپردازد و برای حل آنها راهکاری نداشته باشد، هیچ جذابیتی ندارد.

درگیری‌های سیاسی بر سر قدرت وسیله‌ای برای تداوم آشفتگی در ساختار سیاسی و اجتماعی بوده و باور همگان این است که طرح مسایلی مانند حل معضلات معیشتی و اقتصادی مردم عمدتاً جنبه ابزاری دارد که با هدف جلب آرای عمومی مطرح می‌شود.

جناح‌های سیاسی در دوران مبارزات انتخاباتی مانند همیشه به جای اثبات توانمندی و برنامه خود به طرح نارسایی‌ها و ناتوانی‌های دولتمردان

مشارکت پایدار
و پیوسته نه تنها
بر طرف‌کننده خطر هاست،
بلکه تحقق آن باعث
جلوگیری از شکل‌گیری
بحران‌ها می‌شود



گذشته می‌پردازند، بدون آن که راهکاری اساسی ارائه کنند. به همین دلیل در افکار عمومی، گفتمان سیاسی و وعده‌های انتخاباتی آنها چندان جدی گرفته نمی‌شود.

سرخوردگی مردم

سرخوردگی مردم از تصمیمات عجولانه برخی مدیران و رواج گسترده فساد و تبعیض در لایه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی اگر چه افکار عمومی را تا حد زیادی نسبت به برنامه‌ها و وعده‌های انتخاباتی کاندیداها ناامید و بی‌اعتماد کرده، اما در عین حال با توجه به حساسیت ویژه این دوره از انتخابات و بیم فعالان سیاسی از

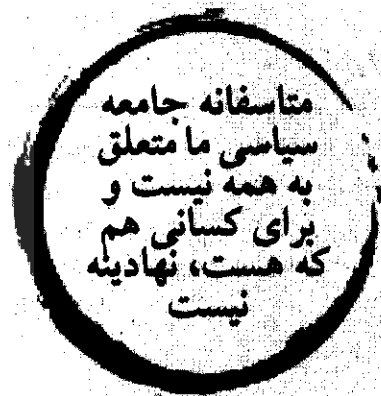
عملکرد نظام، مشروعیت آن، امیدواری به آینده، رضایت از زندگی، احساس عدالت، کارآمدی و آگاهی سیاسی ناراضی هستند. از این تعداد ۲۱ درصد کاملاً ناراضی با شاخص‌های مزبور هستند. با مرور این نتایج می‌توان انتظار داشت که حدود ۲۱ درصد از مردم اساساً در انتخابات شرکت نمی‌کنند. ۲۱ درصد گروه بینابینی نیز امکان شرکت در انتخابات را می‌توانند داشته باشند. به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که کف و سقف شرکت‌کنندگان در انتخابات بین ۴۵ تا ۵۵ درصد متغیر باشد.

تحلیل‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد هر چه به سمت افراد راضی و بسیار راضی جامعه

خود، دیدگاه گروه‌های سیاسی یا هر دو را تشخیص دهند، از توجیه‌های ایدئولوژیک برای رفتار خود استفاده می‌کنند.

در حال حاضر که چند روز دیگر به برگزاری انتخابات مانده خواست مردم، انعطاف ساختار سیاسی جامعه است. تکیه بر روش‌های گذشته بر بسته بودن این ساختار می‌افزاید اما رها کردن تدریجی جزمیت و روی آوردن به روش‌های انعطاف‌پذیر، میدان بازی را آنچنان گسترده خواهد کرد که به گفته اصلاح‌طلبان پیشرو، امکان مشارکت و تمایل به حضور برای همه به وجود می‌آید.

مشارکت حداکثری در انتخابات نه بر اساس



پیروزی محافظه‌کاران و در نتیجه یکسان شدن حاکمیت، بعید نیست آنها را از حالت بی‌تفاوتی کنونی خارج کرده و یک بار دیگر آنها را به پای صندوق‌های رای بکشاند.

هر چند تاکنون چندین نظرسنجی متفاوت در باره میزان حضور مردم در صحنه انتخابات و یا پیروزی کاندیداها منتشر شده است، اما به نظر می‌رسد در این دوره از رقابت‌ها بین ۴۵ تا ۵۵ درصد مردم حضور گسترده داشته باشند. بر اساس آخرین نتایج نظرسنجی از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران حداکثر ۵۵ درصد مردم در انتخابات خرداد ماه شرکت خواهند کرد. بر این اساس رفتارهای انتخاباتی ایرانیان نشان داده به هیچ وجه تعداد رای دهندگان از ۳۵ درصد کمتر نخواهد بود. اقبال راضی و خیلی راضی مجموعاً ۳۵ درصد آرا را به خود اختصاص می‌دهند.

یک گروه ۲۲ درصدی بینابینی و یک گروه ۴۲ درصدی نیز هستند که به صورت زیاد و خیلی زیاد نسبت به شاخص‌های هفتگانه رضایت از

می‌رویم، شاخص پایگاه اجتماعی کاهش می‌یابد. در واقع بالادستی‌های جامعه بیشترین ناراضی‌های جامعه هستند. بر اساس این نظرسنجی در عین حال افراد ناراضی به صورت متوسط حداقل دو بار در انتخابات هشت سال گذشته شرکت کرده‌اند، در حالی که افراد راضی و خیلی راضی در باره شاخص‌های یاد شده بیش از سه بار در انتخابات سال‌های گذشته شرکت داشته‌اند.

دلایل شرکت مردم در انتخابات

تحقیقات مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران نشان می‌دهد مردم بر اساس چارچوب‌های نظری، رفتار انتخاباتی خود را بروز می‌دهند و این گونه نیست که یک شبه به تصمیمی در خصوص کاندیداها برسند. آنچه باعث رای دادن می‌شود برداشتی از میزان منافع یا مشارکت در انتخابات است. از سوی دیگر در جایی که مردم نتوانند منافع

یک ضرورت زمانی بلکه بر اساس باور و اعتقاد بر "اصل مشارکت" باید شکل گیرد، بنابراین می‌طلبند که نهادهای قانونی دخیل در انتخابات عملکرد گذشته خود را کنار گذاشته و ملاک‌هایی قانونی مشخص را مدنظر قرار دهند. یا این توصیف ضرورت دارد از هم اکنون تمهیداتی خاصی به کار رود که آنچه موضوع ممنوعیت دخالت رسمی و غیر رسمی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به آنها نامیده می‌شود، مراقبت شوند تا در مسایل سیاسی دخالت نکنند و در منظر افکار عمومی به طرفداری از یک جناح خاص متهم نشوند.

مشارکت حداکثری مردم به فاکتورهای متعددی نیاز دارد که اگر تمامی جناح‌ها فارغ از گرایشات حزبی به آن توجه کنند، مسلماً تحقق‌پذیر خواهد بود، اما اگر مانند سال‌های گذشته فقط به تمایلات جناحی معطوف شوند، انتخابات نتیجه قابل قبولی به دنبال نخواهد داشت.